

بازگشت به زندان پس از ۲۰۰ فقره سرقت

بخش‌شده! هنوز یک سال از آزادی‌اش نگذشته بوده‌که این جوان بیست و یک ساله دوباره برای سپری کردن دوران محکومیتش به زندان باز می‌گردد. او بیش از دو سال از عمر خود را پشت میله‌های زندان گذرانده است، اما این محکومیت‌گویا نه تنها تغییری در مسیر زندگی‌اش ایجاد نکرده است، بلکه انگار می‌خواست زمانی‌که در حبس بوده را با انجام سرقت‌های فراوان جبران کند به طوری‌که در روز دستگیری‌اش به همراه دو همدستش مشغول سرقت بودند.

هر سه آن‌ها بین بولوارهای فردوسی، فرامرز عباسی و جانباز دور می‌زدند تا هر عابری را که تلفن همراه به دست در حاشیه خیابان بود، هدف قرار دهند. نتیجه کارشان این بود که تنها در عرض دو ساعت، گزارش سه سرقت تلفن همراه در همین محدوده به پلیس اعلام شود. گزارش‌هایی که باعث شد مأموران کلانتری آبکوه برای دستگیری این گوشی‌قاپ جوان و همدستانش، گشت‌های هدفمندی را در منطقه دایر کنند.

هم‌زمان با آغاز گشت‌های پلیس، گوشی‌قایان برای سرقت ششمین تلفن همراه خود در یک روز وارد عمل شده بودند. مطابق شگرد آن‌ها جوان بیست و یک ساله‌که در سرقت و فرار سرعت عمل بیشتری نسبت به همدستانش داشت، تلفن همراه شهروندان را می‌ربود و متواری می‌شد. در این میان اگر اتفاقی پیش می‌آمد، دو همدستش وارد می‌شدند و او را نجات می‌دادند.

آن‌ها آن قدر در کار خود جری شده بودند که دیگر از شلوغی معابر و تردد شهروندان واهمه نداشتند و همین‌که چشمشان به تلفن همراه یک شهروند می‌افتاد که در اطرافش چند نفر دیگر هم بودند، بی‌توجه به دیگران برای ربودن تلفن همراه اقدام می‌کردند. کاری‌که در یکی از سرقت‌ها با شجاعت صاحب تلفن همراه و حضور بموقع شهروندان بی‌نتیجه ماند. عابران و کسبه‌ای‌که شاهد ماجرا بودند بلافاصله به کمک مال باخته آمده و مانع از فرار سارق شدند.

دو همدست این گوشی‌قاپ که تا اینجا شاهد ماجرا بودند، برای رهایی سارق جوان به سمت او که در حلقه مردم گرفتار شده بود رفتند و با کشیدن چاقو به سمت مردم و عربده‌کشی کوشیدند راه فرار همدست خود را باز کنند و هر سه از محل متواری شوند.

همه چیز خیلی سریع پیش می‌رفت و این سارقان تمام تمرکزشان روی شهروندانی بوده که دور تا دور آن‌ها جمع شده بودند و هیچ توجهی به مأموران پلیسی که برای دستگیری آن‌ها پیش می‌آمدند نداشتند. با حضور بموقع مأموران و سرعت عمل آن‌ها، هر سه گوشی‌قاپ در شرایطی که همچنان تلاش می‌کردند از میان جمعیت متواری شوند دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شدند.

جانشین فرمانده انتظامی استان درباره دستگیری این متهمان گفت: در پی گزارش‌های سریالی گوشی‌قایی در بولوار فرامرز عباسی، فردوسی و جانباز، پیگیری موضوع به طور ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. در ابتدا مأموران دایره تجسس کلانتری آبکوه با استفاده از تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مدار بسته و بررسی جغرافیایی زمانی و مکانی سرقت‌های انجام شده، گشت‌های هدفمندی را در مناطق آسیب‌پذیر دایر کردند. سردار احمد نگهبان ادامه داد: کمتر از ۱۰ دقیقه از اجرای طرح مهار در حوزه استحفاظی کلانتری آبکوه نگذشته بود که مأموران فردگوشی‌قاپ را که توسط شهروندان زمین‌گیر شده بود و حملات همدستانش با چاقو به سمت مردم به قصد فراری دادن متهم مؤثر واقع نشده بود را دستگیر کردند.

جانشین فرمانده انتظامی استان اضافه کرد: متهم که پنج تلفن همراه سرقتی به همراه داشت پس از انتقال به مقر انتظامی و رویارویی حضوری در بیست و چهار ساعت از سوی ۳۶ مال باخته شناسایی شد و این فرد در ادامه با توجه به سایر مستندات پلیس به دو بستر فقره‌گوشی‌قایی با دو نفر از همدستانش و فروش تلفن‌های همراه به یک مال خر اعتراف کرد. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

چین به زیر آب رفت

فارس! پس از سیل‌های شدیدی که در غرب آسیا منجر به بروز خسارت‌های فراوانی شد، حالا نوبت به شرق قاره کهن رسیده که در پی بارندگی‌های سیل‌آسا قرار بگیرد. بارندگی‌های اخیر در چین که منجر به سیل در استان «گوانگدونگ» شده است، دست‌کم یازده نفر ناپدید شدند و ۵۳ هزار نفر مجبور به ترک خانه‌هایشان و رفتن به مناطق امن شده‌اند. مقامات محلی از این سیل به عنوان بزرگ‌ترین سیل قرن در چین یاد کرده‌اند که به گفته دانشمندان تغییرات اقلیمی عامل آن است.

روز نیروی دریایی، خونین به اتمام رسید

خبرآژانس! روز نیروی دریایی مالزی، با برخورد و سقوط دو بالگرد نظامی به اتمام رسید. در تمرینات نیروی دریایی مالزی و هم‌زمان با پرواز تعدادی از بالگردهای ارتش این کشور، دو بالگرد با یکدیگر برخورد و سقوط کردند. هر ۱۰ سرنشین این بالگردها جان خود را از دست دادند. نیروی دریایی مالزی اجساد کشته‌شدگان را برای شناسایی به یک بیمارستان نظامی منتقل کرده است.

افزایش قربانیان حادثه آفریقا

مهراتعداد قربانیان یک قایق غرق شده در جمهوری آفریقای مرکزی به ۲۲ نفر افزایش یافته است. تعداد قربانیان این قایق که حامل بیش از سیصد نفر بوده است و در رودخانه «میکو» در حال حرکت بوده که ناگهان قایق واژگون شده است. توماس دیماس، مدیرکل حفاظت مدنی جمهوری آفریقای مرکزی، اعلام کرده که تاکنون توانسته‌ایم ۶۲ جسد را بیرون بکشیم، ما از تعداد کل افراد زیر آب اطلاعی نداریم و افراد بیشتری هنوز مفقود هستند.



۴شنبه
۵ دیماه ۱۳۹۵
شماره ۴۴۵

SHAHRAMNEWS.IR



متهم به قتل‌ی که از سال ۱۴۰۱ امتواری شده بود، دیروز صحنه قتل را بازسازی کرد

دستگیری قاتلی که با ۱۰میلیارد رضایت گرفته بود!



عکس: محسن بخشدارا شهرار

نکرده، اگر خودش می‌بود نمی‌گذاشت کار به اینجا بکشد.

● **قصه کشتن نداشتم**
قاضی صفری درباره علت قتل از او پرسید: «چرا این فرد را کشتی؟ آیا به نیت قتل کاردار زیر لباست پنهان کردی؟» که متهم مدعی شد قصد درگیری و قتل نداشته است، چون اوضاع متشنج بوده محض احتیاط کاردار را درون لباس گذاشته است، حتی هنگام درگیری چون مقتول اول چاقو کشیده، او در پاسخ به او کاردار را بیرون کشیده است. قصه کشتن هم سیستم به می‌خواسته ضربه سوم را به دست با شانه او بزند، اما چون از سوی یک نفر دیگر مهار شده دستش لغزیده و ضربه به نزدیک سینه‌اش نشسته است. در پایان متهم به قتل با بیان اینکه دو سال است از زندگی افتاده است و پشیمان دانست که در اینجا قاضی صفری پایان بازسازی را اعلام کرد.



دزدی پس از اتمام نگهبانی



و پس از هماهنگی قضایی دستگیر کردند. سرهنگ حسین یعقوبی ادامه داد: متهم چهل ساله با اینکه در بازجویی‌های اولیه، منکر هرگونه جرمی می‌شد، در رویارویی با تصاویر به دست آمده از خود در سرقت‌ها به سیزده فقره سرقت‌لاوم داخل خودروهای پارک شده و فروش اموال سرقتی در یک سایت واسطه‌گر اینترنتی اعتراف کرد.

● **خبر**
جلالان! پس از اتمام کارش با همان لباس نگهبانی شرکی که در آن مشغول به کار بود از آنجا بیرون می‌زد. تصورش این بود که با این لباس کمتر به او شک می‌کنند و می‌توانند بدون گرفتاری از خودروهای پارک شده در خیابان، لوازم بازارشان را سرقت کند. به همین خاطر هم با همان لباس کارش می‌گشت و لوازم خودروهایی که می‌توانست درهای آن را باز کند، سرقت می‌کرد. پس از گزارش این سرقت‌ها به پلیس، مأموران با بررسی دوربین‌های مدار بسته توانستند چهره این فرد را شناسایی و او را دستگیر کنند.

سرکلانتر جنوب پلیس مشهد در تشریح این خبر گفت: در پی گزارش سرقت‌های سریالی از خودروهای پارک شده در یکی از بولوارهای جنوبی شهر، تیم رسیدگی کننده پرونده با بررسی دوربین‌های مدار بسته در محدوده سرقت متهم را که نگهبان یک شرکت است، شناسایی

جان بخشی مهدی در فصل چهل وهشتم زندگی



و پزشکان کبدش را به مردی چهل و پنج ساله از شهرستان تربت جام پیوند زدند. پس از پیوند کبد، قرتیه‌های او نیز برای پیوند به بیمارانی که مشکل بینایی دارند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی رفت و بخشی از پوستش برای درمان بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا^(ع) به این مرکز درمانی منتقل شد.

● **خبر**
بخش‌شده! یک حادثه باعث انتقال و بستری شدن مهدی قربانی در بیمارستان طالقانی مشهد شد. متخصصان این مرکز درمانی برای نجات و درمان این بیمار چهل و هشت ساله، تمام تلاششان را کردند اما در نهایت علائم و وضعیت جسمانی مهدی خبر از مرگ مغزی او داد. پس از تأیید مرگ مغزی این بیمار، پزشکان به خانواده‌اش پیشنهاد دادند اعضای قابل پیوند این مرحوم را به بیماران نیازمند اهدا کنند. پیشنهادی که با موافقت خانواده او همراه شد و پیکر مهدی قربانی برای انجام جراحی اهدای عضو به بیمارستان منتصریه منتقل شد. پس از تأیید دوباره مرگ مغزی او توسط متخصصان و پزشکان بیمارستان منتصریه، پیکر زنده‌یاد قربانی به اتاق عمل منتقل شد

داستان خیلی پیچیده نیست. اوایل سال ۱۴۰۱، «بهنام ک.» معروف به «رسول» در یک بزم دوستانه با فردی دیگر درگیر می‌شود و او را با چند ضربه کارد ۳۵ سانتی‌متری به قتل می‌رساند و متواری می‌شود. او که دارای پرونده‌های مختلف از قبیل نزاع، تیراندازی و چاقوکشی بوده و تا آن روز توانسته بود با پول‌های کلان رضایت تمام شاکیان را به دست بیاورد، با گرفتن وکیل از مخفیگاهی در ناکجا آباد، وکیل را به سراغ پدر مقتول می‌فرستد و پس از چند جلسه روی پرداخت ۱۰میلیارد تومان پول نقد در ازای رضایت به توافق می‌رسند و تاکنون ۸میلیارد و ۵۰۰میلیون از این وجه نیز پرداخت شده است. با حضور پدر مقتول در دادسرای مشهد و اعلام رضایت انگار همه چیز تمام شده بود. وقتی آب‌ها از آسیاب افتاد، متهم در مشهد افتابی شده و با حضور در دادسرا برای پیگیری پرونده قتل که منجر به رضایت اولیای دم شده بود، به دستور قاضی صادق صفری، بازپرس جنایی، این فرد بلافاصله دستگیر شد. زیر پا از اعلام رضایت پدر مقتول مشخص می‌شود که او دو فرزند داشته و دخترش نه ساله و پسرش پانزده ساله است. فرزندان مقتول که در اصل اولیای دم واقعی هستند و به سن قانونی نیز رسیده‌اند، پیش‌تر با حضور در دادسرا درخواست قصاص داده‌اند. دیروز نیز پس از انجام مراحل قانونی، متهم به یکی از کوچه‌های مطهری شمالی مشهد (محل جنایت) انتقال یافت و در برابر مقام قضایی صحنه جرم را بازسازی کرد.

● **یک بزم غیردوستانه**
بر اساس اظهارات بهنام در صحنه بازسازی، زمان زیادی از بزم این دوستان نگذشته بود که سرهمه‌شان گرم می‌شود، البته او مدعی شده که خودش مشروب نخورده است. در این میان «سیدرضا» شروع به صحبت از اختلاف‌های قدیمی می‌کند و به تک تک افرادگیر می‌دهد و تیکه می‌اندازد. بهنام با این ادعا که نمی‌خواستم اتفاقی بیفتد و برخلاف دیگر رفقا مشروب نخورده بودم، برای اینکه در خانه‌ام مشکلی پیش نیاید، از همه دوستان خواستم تا برای خوردن شام بیرون برویم که همه قبول کردند. در همین هنگام هنوز «سیدرضا» در حال چرت و پرت گفتن بود که من رفتم توی اتاق و لباس عوض کردم. بعد از پوشیدن یک کاپشن بهاره، با توجه به تشنج اوضاع و اینکه اگر دعوا شد دست خالی نباشم، یک کاردم هم زیر کاپشنم قایم کردم.

● **۹ دقیقه جهنمی**
این متهم به قتل در پاسخ به قاضی صفری که چطور شد فقط تو و «سیدرضا» با هم درگیر شدید، معترف شد که ظرفیت آسانسور ساختمان کم است، برای همین همه نمی‌توانستیم با هم پایین برویم، از طرفی طبقه ششم بودیم و امکان استفاده از پله‌ها نبود، وقتی لباس پوشیدم و



نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۱
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۱
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹